**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر الواحد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**شصت و هشتم\_14 اسفند 1397**

آخرین دلیلی که بر حجیت خبر واحد اقامه شده است، دلیلی است عقلی، این دلیل عقلی، تقاریری دارد، یک تقریر و تقریبش که در رسائل هم آمده، و خود شیخ قبلا قبول داشته و بعدا از نظر مبارکش عدول کرده است و جای بررسی دارد این است. می گوید:

مقدمه اول: هر کسی که آشنا به کتب حدیثی، کیفیت تدوین حدیث، بلند بودن مضامین روایات اهل بیت علیهم السلام و دقتی که علما در رجال حدیث داشته­اند، نظری بیاندازد، به این نتیجه می رسد که اکثر روایاتی که در کتب معتبره وارد شده است، از ائمه علیهم السلام صادر شده است، شما کافی است اساس کتاب را معتبر بدانید و نویسنده کتاب را معتمد و حدیث شناس بدانید، می گویید این همه حدیثی که آمده است اکثر این ها بلکه جل این ها صادر از معصوم سلام الله علیه است، این ها هر حدیثی را نقل نمی­کردند مراقب جعل و تزویر و دروغ بعضی از روات بوده­اند با معیار خاصی این احادیث را انتخاب کرده­اند.

پس علم اجمالی دایم به این­که اکثر یا جل روایات کتب معتبره معصوم عن المعصوم است. هر روایتی را که ببینیم طرف آن علم اجمالی است. این مقدمه اول.

مقدمه دوم؛ وقتی که ثابت شد ما علم اجمال داریم به وجود اخباری که صادر از معصوم سلام الله علیه است، این علم اجمالی منجز است، و به حکم عقل باید به هر روایتی که ظن به صدورش داری عمل کنی، چون نمی توانی واقع را احراز کنی الا این­که به این مظنونات عمل کنی بله انچه که اطمینان به کذبش داری را کنار بگذار اما توصلاً الی الاخبار الصحیحة الصادرة باید به همه اخباری که ظن به صدورش دارید، عمل کنید. این همان خبر واحد شد.

خود شیخ اعظم اعلی الله مقامه که این بیان عقلی را بیان فرموده­اند سه اشکال به این حرف مطرح فرموده­اند.

اشکال اولی که مرحوم شیخ دارد این است که شما چرا فقط گفتید کتب معتمد و معتبره؟ این علم اجمالی در کتاب­های غیر معتبره هم هست حتی کتاب­های اهل سنت، من که نمی­توانم یقین داشته باشم که تمام روایات بخاری دروغ است این ادعایش قطعا باطل است. در ان ها روایات صحیحه هست. نه دایره روایات بیایید بالاتر، اجماعات، شهرت ها، من یقین دارم که همه اجماعات غلط نیست، علم اجمالی دارم که خیلی از این ها صحیح است پس آنجا هم عقل باید اینگونه حکم کند در حالی که شما می گویید فقط کتب معتبره. در حالی که هیچ وجهی برای اختصاص به کتب معتبره در بیان شما نیست. و از آن طرف حاضر نیست کتب غیر معتبره را هم قبول کنید.

این بیان شیخ تا اینجا، چون مرحوم شیخ این فرمایش را دارد، پس باید بگوید آن علم اجمالی ما منحل نشده، در برابر عده­ایی قائل به انحلال هستند، یک علم اجمالی کبیر درست کنیم با دایره وسیع. علم اجمالی به وجود روایات صحیحه و صادرة هم در کتب معتبره هم در کتب غیر معتبره، هم بین اجماعات و شهرت ها، این می شود یک علم اجمالی کبیر، یک علم اجمالی صغیر هم داریم که استشهاد همین آقایان به او بود و ان علم اجمالی به وجود روایات صادرة در خصوص کتب معتبره است. حال بحث این است که آیا آن علم اجمالی کبیر به این علم اجمالی صغیر منحل می شود یا نه؟ شیخ اعظمی که این اشکال را الان مطرح کرد و گفت کتب غیر معتبره را چه می گویید، معلوم می شود علم اجمالی را منحل نکرده است به تبع ایشان محقق نائینی هم معتقد است که این علم اجمالی منحل نشده است. در برابر از فرمایش مرحوم آخوند رضوان الله تعالی علیه و مرحوم آقای خویی اعلی الله مقامه استفاده می شود که این اجمالی کبیر منحل می شود به علم اجمالی صغیر. محقق اصفهانی هم در مساله توقف فرموده است.

چه آن ها که قائل به انحلال نیستند کالشیخ و النائینی اعلی الله مقامهما و چه آن ها که قائل به انحلال اند مثل آخوند و آقای خویی رحمة الله علیهما یک مطلب را قطعی می دانند و ان معیار انحلال است و اختلافشان در تطبیق است و الا در معیار انحلال همه هم داستان هستند که انحلال جا دارد.

من اول مثال این آقایان را میگویم تا مساله تقریب به ذهن شود و بر پایه مثال توضیح می دهم

فرض کنید گله گوسفندی که عده ایی از انها پشم­شان سیاه و عده ای سفید است من علم اجمالی دارم از این گله گوسفند 5 تا از گوسفندان سفید غصبی است. از یک طرف دیگری می دانم از این گله 5 گوسفند خوردن گوشتشان حرام است و لو من جهة الموطوئیة

احتمال می دهیم که آن 5 تا موطوئه همان 5 تای مغصوبه باشد. حال از کدام گوسفندان باید اجتناب کنم، پس فقط باید از گوسفندان سفید اجتناب کنم، چرا این صورت میگیرد؟ چون انحلالی رخ می دهد در علم اجمالی کبیر، معیار انحلال چیست؟ معیار انحلال این است که اگر شما دو تا علم اجمالی داشتی یکی با دایره وسیع و دیگری با دایره کوچک، و عدد معلوم بالاجمال در کبیر، دقیقا عدد معلوم بالاجمال علم اجمالی صغیر بود، مع تسانخ الحکمین، هر دو حکم هم همسنخ باشند. مثلا هر دو حرام باشند. او احتملنا ذلک، این جا علم اجمالی کبیر منحل می شود به علم اجمالی صغیر. اما همه این آقایان می گویند اگر تعداد معلوم بالاجمال علم اجمالی کبیرتان بیش از معلوم بالاجمال در علم اجمالی صغیر بود این جا انحلال رخ نمی دهد این جا مورد الاجماع الفریقین.

حال در مورد سوال خودمان یک گله گوسفند داریم و علم اجمالی کبیر به این که در بین این گله که تعدادی سفید و سیاه اند از بین سفید ها 5 تا مغصوب اند این علم اجمالی صغیر داریم. یک علم اجمالی کبیر هم داریم که 5 تا از کل گوسفندها حرام است گوشتشان و لو از جهت موطوئه.

همین که من احتمال بدهم این 5 تا همان 5 تا هستند ففی هذه الصورة یجب الاجتناب از گوسفندان سفید و ذلک لان العلم بحرمة خمسة منها بمقدار المعلوم فی البیض چون تعداد علم اجمالی کبیر با تعدا درد علم اجمالی صغیر یکی است و احتمال می دهیم 5 تا موطوئه همان مغصوبه است.

در چنین جایی قطع پید ا می­کنیم که 5 حرام در بین گوسفندان سفید داریم اما در مورد گوسفندان سیاه احتمال است و مجرای برائت.

اما اگر عدد اجمال بالکبیر بیشتر بود مثلا 7 گوسفند، دیگر نمی توانم فقط از گوسفندان سفید استفاده کنم چه بسا ان دو از گوسفندان سیاه باشند. این جا انحلال نیست و این کبرای کلی را همه قبول دارند.

بعد مرحوم شیخ پا را فراتر می گذارد بل ربما کسی ادعا کند که به تمام این اخبار باید عمل کرد، فقط شرطش این است که معارض نداشته باشد لولا وجود معارض باید به تمام این اخبار عمل کرد.

این بیانی است که مرحوم شیخ انصاری ابتدا به آن قائل بوده است و از این راه حجیت اخبار آحاد را اثبات می کرده است، چرا می گویند دلیل عقلی؟ چون روح این دلیل حکم عقل است به منجز بودن چنین علم اجمالی.

حال مورد نزاع اینجاست که در مورد بحث ما تعداد روایاتی که می گویید صادر از معصوم است دقیقا در علم اجمالی صغیر و کبیر یکی است یا نه؟ محل بحث است

مرحوم شیخ و مرحوم محقق نائینی می گویند عدد معلوم به علم اجمالی کبیر اکثر است از عدد معلوم به علم اجمالی صغیر است. در برابر آقای آخوند و خویی می فرمایند نه کی گفته است که عدد معلوم به علم اجمالی کبیر اکثر است؟ و مثل محقق اصفهانی در مساله توقف کرده­اند.

حال ما فرض می کنیم تمام کتب معتبره تعداد احادیثش 10000 است، ده هزار مجموع روایات است و فرض می کنیم 1000 تا از این ها از ائمه صادر شده است. می آییم از اول کتاب الطهارة تا آخر دیات، هزار روایت را قرعه ایی کنار میکشیم، فلیس لنا فی ما بقی علم اجمالی، چون شاید همان هزار تای صادر همین ها باشند فاذا ضممنا الی ما بقی من الروایات که بود نه هزار روایت، سائر الروایات الموجوده فی الکتب الغیر المعتبره، آیا یک علم اجمالی برایمان به وجود می آید یا نه؟ اگر دائر همان علم اجمالی اول بودیم ان را منحل کردیم اما اگر بقیه را منحل کردیم چه می شود؟ شیخ و نائینی می گویند همین که به ان 9 هزار تا ضمیمه کردید بقیه را علم اجمالی داریم، پس احتیاط کنید و انجا را هم عمل کنید.

آقای شیخ و محقق نائینی می گویند این علم اجمالی هست و باید طبق مسلک شما بهش عمل کنید اما طرف مقابل ادعای انحال می کند. این را مطالعه کنید هم بحوث آقای صدر و هم مصباح الاصول و هم تقریرات آقای سیستانی تا جلسه بعد ان شاء الله.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.